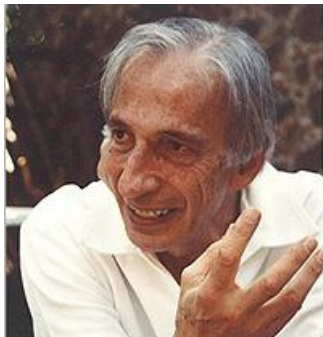


## پروین احمدی<sup>۲</sup>



یادگیری واقعی از آموزش حاصل نمی‌شود، بلکه یادگیری واقعی زمانی صورت می‌گیرد که یادگیرنده آزادانه و بی‌واسطه در فرایند یادگیری مشارکت فعال داشته باشد

(۱۹۲۶-۲۰۰۲)

### مروری بر زندگی شخصی و علمی

ایوان ایلچ، در ۲۴ سپتامبر سال ۱۹۲۶ میلادی در وین<sup>۳</sup> اتریش در یک خانواده کاتولیک متولد شد و در سال ۲۰۰۲ م، هنگامی که مشخص شد یک تومور دارد، به دلیل عقایدش حاضر به جراحی نشد و درگذشت.

او به‌عنوان یک متفکر در دهه ۶۰ میلادی مطرح بود. مهر و موم‌هایی که مشخصه‌اش انتقادگرایی رادیکال جامعه سرمایه‌داری و صنعتی بود. ایلچ دارای یک شخصیت پیچیده‌ای بود. یک انسان خستگی ناپذیر، چندزبانه و مرد جهان‌وطنی که اندیشه‌هایش چه در کلیسا و اصلاح آن و چه در فرهنگ و آموزش و پزشکی و حمل و نقل در جوامع مدرن از او یک چهره‌ی برجسته‌ی زمانه ساخته بود.

ایلچ از سال ۱۹۳۱ تا سال ۱۹۴۱ م در یک مدرسه مذهبی تحت تعلیم قرار داشت. تحصیلات متوسطه را در فلورانس<sup>۴</sup> ایتالیا به اتمام رساند. ابتدا لیسانس شیمی گرفت و پس از آن، به تحصیل در الهیات و فلسفه در دانشگاه گریگوری<sup>۵</sup> رم پرداخت و از دانشگاه سالزبورگ<sup>۶</sup> اتریش به کسب دکترا در رشته تاریخ نائل آمد.

واتیکان قصد داشت از او در حوزه دیپلماسی خود استفاده کند ولی وی تصمیم گرفت کشیش شود و معاون کشیش محلی در کلیسای نیویورک شد. وی از ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۶ نایب رئیس دانشگاه کاتولیک پونس<sup>۷</sup> در پورتوریکو بود. علاقه فراوان وی به " حساسیت بین فرهنگی"<sup>۸</sup> باعث شد که پس از انتصابش به این پست، مرکز ارتباطات بین فرهنگی را تأسیس کند. گرچه آموزش زبان یک بخش بزرگی از فعالیت‌های این مؤسسه را تشکیل می‌داد،

1. Ivan illich

۲. هیأت علمی دانشگاه الزهرا س تهران  
pahmadi@alzahra.ac.ir

3. Veniia

4. Florance

5. Gregorian

6. Salzburg

7. Ponce

8. Intercultural Sensibility

ایلچ اصرار داشت که اساس برنامه‌اش بر رشد این توانایی قرار گیرد که امور را از طریق چشمان مردم فرهنگ‌های مختلف ببینند. ارتباطش با دانشگاه پونس را در ۱۹۶۰ بعد از عدم توافق با اسقف منطقه پایان داد.

در بازگشت به نیویورک پست استادی در دانشگاه فوردهام<sup>۱</sup> را پذیرفت. در ۱۹۶۱، مرکز اسناد بین‌المللی (CIDOC)<sup>۲</sup> را به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد و تقویت روابط بین فرهنگی در شهر کوئرتاواکای<sup>۳</sup> مکزیک تأسیس کرد. هدف از تأسیس آن، آموزش مبلغان آمریکایی برای کار در آمریکای لاتین بود. با این حال، در طول سال‌ها، به یک مرکز شبه علمی تبدیل شد که در آن اندیشه‌های ایوان ایلچ در مورد آموزش و پرورش بدون مدرسه به‌طور علمی ارائه می‌شد. این مرکز، محل ملاقاتی برای بسیاری از روشنفکران آمریکایی و آمریکای لاتین بود که می‌خواستند در مورد آموزش و پرورش و فرهنگ فکر کنند. در آنجا، دوره‌های زبان اسپانیایی و کارگاه‌هایی با موضوعات سیاسی و اجتماعی برگزار شد. کتابخانه این مرکز بسیار مورد توجه بود و مراجعه‌کنندگان بسیاری داشت. ایلچ خود، سمینارها در زمینه گزینه‌های سازمانی در جامعه فن‌آوری را هدایت می‌کرد. همچنین، در این دوره، بحث‌های جدی میان پائولو فریره<sup>۴</sup> و ایلچ در مورد آموزش و پرورش، نظام مدرسه‌ای و آگاهی در مورد هشیاری صورت گرفت. گفتگو میان ایلچ و سایر متفکران تربیتی که در جستجوی راه‌های تبدیل هر لحظه زندگی به یک تجربه یادگیری خارج از نظام مدرسه‌ای بودند انجام می‌شد. این زمان، آغاز دوره معروف شدن ایلچ به‌طور گسترده بود. شهرت او همچنین، با انتقاد وی از کلیسای کاتولیک رم شروع شد. سپس او، این مفهوم را به نهاد مدرسه برون‌یابی کرد و این انتقاد را به شکل یک قاعده در آورد که او را سالیانی مشغول کار بر روی طرح "جامعه بدون مدرسه" نمود. وی در سال ۱۹۶۸ از کلیسا جدا شد و در سال ۱۹۶۹ مقام کشیشی را ترک کرد. در طول این مدت، ایلچ تفکر آموزشی (تربیتی) اش را توسعه داد. وی در اواخر دهه‌ی ۶۰ و اواسط ۷۰ آثار اصلی‌اش در آن حوزه را منتشر ساخت.

مقارن نیمه دهه ۷۰، نوشته‌هایش را به جامعه علمی بین‌المللی ارائه کرد و به تدریج، از آمریکای لاتین فاصله گرفت. در پایان دهه، او مکزیک را ترک کرد و در اروپا مقیم شد. ایلچ که به دلیل تبار خانوادگی‌اش چندزبانه بود، در طول حیات خود بر دانش زبان‌شناختی و اشرافش بر گویش‌های متنوع ادامه داد. کنجکاوی او و پژوهش‌هایش سبب شد که به تمام حوزه‌های شناخت علاقمند شود: از تاریخ تا روان‌شناسی... وی به نوشتن و انتشار کتاب‌هایش تا پایان عمر ادامه داد.

از جمله آثار وی می‌توان به پنج مورد زیر اشاره کرد:

۱- تجلیل آگاهی<sup>۵</sup> (۱۹۶۹)

۲- مدرسه زدایی از جامعه<sup>۶</sup> (۱۹۷۱)

۳- ابزار بهزیستی<sup>۷</sup> (۱۹۷۳)

۴- انرژی و برابری<sup>۸</sup> (۱۹۷۴)

۵- پزشکی آفت‌زا<sup>۱</sup> (۱۹۷۵)

1. Fordham  
2. Center For International Documentation  
3. Cuernavaca  
4. Paulo Freire  
5. Celebration Of Awareness  
6. Deschooling Society  
7. Tools For Conviviality  
8. Energy & Equity

## شرح و تفسیر اندیشه و افکار

نوشته‌های ایلچ در آموزش و پرورش، متشکل از مقالات و سخنرانی‌های عمومی به زبان‌های مختلف و همچنین کتاب‌هایی است که در سطح بین‌المللی منتشر شده است. این آثار در موضوعاتی از قبیل آموزش و پرورش، بهداشت، حمل و نقل و شیوه‌هایی که جامعه آینده باید سازماندهی شود است. مقاله مشهور او با عنوان "مدرسه، گاو مقدس"<sup>۱</sup>، اولین مجموعه از آثار او در حوزه آموزش و پرورش است.

او به‌طور خشم آلودی از نظام آموزش عمومی به خاطر تمرکز، بوروکراسی درونی، عدم انعطاف آن و در رأس همه، پرورش دادن نابرابری‌ها انتقاد می‌کند. این اندیشه‌ها بعداً توسعه یافت و در کتابی با عنوان "مدرسه به چه کسی در آمریکای لاتین خدمت می‌کند" چاپ شد. این دو نوشته، منجر به تدوین یکی از مهم‌ترین آثارش، با نام "مدرسه‌زدایی از جامعه" شد که ابتدا به انگلیسی و سپس به اسپانیایی چاپ شد. به عقیده وی، نظام آموزشی ریشه در مسائل جامعه صنعتی دارد. مدارس، اندیشه‌های خاصی را القا می‌کنند، به توانایی تفکر و خلاقیت بی‌توجه بوده و آزادی آموختن و یادگیری را از افراد سلب می‌کنند. در نظام آموزشی، محتوای برنامه درسی و چگونگی آموختن در اختیار فراگیر نیست. معلم مسئولیت آموزش را بر عهده دارد و فراگیر برای کسب موفقیت ناگزیر از اطاعت و پیروی از دستورات وی است. نظام آموزشی، دانش آموزان را وادار به پذیرش قواعد و آموزش‌های خود می‌کند. این امر به دلیل آن است که امتیازات رسمی و مدارک و گواهینامه‌های نظام آموزشی در بازار کار استفاده می‌شود. هدف از آموزش همگانی این بود که به همه فرصت یکسانی برای رسیدن به هر مقامی داده شود، اما نظام آموزشی به جای ایجاد فرصت‌های یکسان، توزیع فرصت‌های شغلی را در انحصار خود در آورده است. برنامه درسی مدارس، به‌ویژه در مهارت‌های عملی فاقد کار آبی لازم است. مهارت‌های واقعی در اختیار کسانی است که عملاً آن‌ها را در زندگی روزمره خود به کار می‌برند. به نظر او، در برنامه درسی، نخست باید مهارت‌هایی همچون نجاری، ماشین نویسی و آشنایی به یک‌زبان خارجی ارائه‌شده و سپس، آموزش‌هایی که به مهارت‌های ویژه نیاز ندارد ارائه شود. کتاب "مدرسه زدایی از جامعه" نقدی است به محیط مدرسه و دانشگاه، ایلچ معتقد است که آموزش اجباری در قالب قوانین و ساختار خشک و غیرقابل انعطاف مدرسه و دانشگاه موجب حرص و طمع دانش آموزان و دانشجویان در رسیدن به مدارک بالاتر می‌شود بدون اینکه چیزی به دانش و مهارت عملی آن‌ها اضافه گردد. دولت‌ها با آموزش اجباری و حتی رایگان باعث مدرک‌گرایی و نالایقی در میان تحصیل‌کردگان می‌شوند، این کتاب هم در پی نقد نظام آموزش دولتی و هم بیان پیامدهای زیان‌بار این شیوه آموزشی است.

علاقه ایلچ به مدرسه و فرایندهای نظام آموزشی، ریشه در کارآموزشی او در پورتوریکو<sup>۲</sup> دارد. ایلچ، در مقدمه کتاب "جامعه بدون مدرسه" از اورت ریمر<sup>۴</sup> قدردانی می‌کند که علاقه اش به آموزش عمومی را مدیون اوست. او می‌گوید تا وقتی که اولین ملاقات را در ۱۹۵۸ در پورتوریکو داشتیم، من تردیدی در نظام آموزش اجباری برای همه مردم نداشتیم؛ اما متفکراً، به این درک رسیدیم که حق یادگیری برای مردم با شرکت در مدرسه کوتاه می‌شود.

ایلچ مدعی است که اعتبار مدرسه به‌عنوان یک تهیه کننده خدمات آموزشی با کیفیت خوب برای جمعیت دانش‌آموزی به‌عنوان یک کل، مبتنی بر یک مجموعه اسطوره‌هایی است که به قرار ذیل توصیف می‌کند:

1. Medical Nemesis
2. School: The Sacred Cow
3. Puerto Rico
4. Everett Reimer

اسطوره ارزش‌های نهادی شده<sup>۱</sup> (رسمی‌شده)

این اسطوره، مطابق نظر ایلچ، مبتنی بر این باور است که فرایند نظام آموزشی تولید ارزش می‌کند. این باور یک تقاضا ایجاد می‌کند. چنین فرض می‌شود که مدرسه یادگیری را تولید می‌کند. موجودیت مدارس ضرورت نظام آموزشی را ایجاد می‌کند. بدین ترتیب، مدرسه چنین القا می‌کند که یادگیری ارزشمند نتیجه حضور در مدرسه است. ارزش یادگیری با میزانی از این حضور افزایش می‌یابد؛ و این که این ارزش می‌تواند با مدارج و گواهینامه‌ها سنجیده و مستند شود. ایلچ دیدگاه متضادی در این رابطه دارد: که یادگیری نتیجه فعالیت انسانی است که مستلزم حداقل دستکاری توسط دیگران است. یادگیری نتیجه آموزش نیست، بلکه نتیجه مشارکت یادگیرندگان در موقعیت‌های معنادار است. با این وجود، مدرسه باعث می‌شود که یادگیرندگان، شخصیت و رشد شناختی‌شان را با برنامه‌ریزی دقیق شناسایی کنند.

اسطوره سنجش ارزش‌ها<sup>۲</sup>

مطابق نظر ایلچ، ارزش‌های نهادی شده مدرسه مورد سنجش واقع می‌شوند. به نظر وی، رشد شخصی نمی‌تواند با مقیاس نظام آموزشی سنجیده شود، بلکه زمانی که این اندیشه به افراد آموزش داده می‌شود که ارزش‌ها می‌توانند تولید شوند و مورد سنجش قرار گیرند، آن‌ها گرایش پیدا می‌کنند که انواع رتبه‌بندی‌ها را بپذیرند. افرادی که به استانداردهای دیگران برای سنجش رشد شخصی‌شان گردن می‌نهند، به زودی، همان استانداردها را خودشان به کار می‌برند. این‌ها، در میان سایر عوامل، عناصر تشکیل‌دهنده رفتار و ارزش‌ها هستند.

اسطوره بسته‌بندی نمودن ارزش‌ها<sup>۳</sup>

به اعتقاد ایلچ، مدرسه برنامه درسی را می‌فروشد. نتیجه فرایند تولید برنامه درسی شبیه به هر تولید صنعتی و محصول جدید است. تولید کننده/معلم، محصول تمام شده را به مشتری/دانش‌آموز عرضه می‌کند.

اسطوره پیشرفت دائمی خود<sup>۴</sup>

ایلچ نه تنها در مورد مصرف بلکه در مورد تولید و رشد هم‌صحت می‌کند و این‌ها را به مسابقه برای کسب مدرک و درجات علمی، دیپلم و گواهینامه ارتباط می‌دهد. او بر این باور است که در جوامع صنعتی، هرچقدر فرد از صلاحیت‌های آموزشی بیشتری برخوردار باشد، شانس بیشتری برای احراز یک شغل خوب دارد. مدرسه به فرد می‌آموزد که خواسته‌های خود را با ارزش‌های موجود در بازار سازگار سازد. آموزش و پرورش را کالای با ارزشی بداند که به‌طور روزافزون قابل‌مصرف است. این‌گونه درس‌ها، فرد را مبدل به مصرف‌کننده‌ای تهی از اندیشه می‌کند. فرد بی‌اختیاری که مصرف کالا و خدمات جامعه صنعتی، به خودی خود برایش هدف می‌شود. رشد ظرفیت شناختی فرد مستلزم یک فرایند مصرف خدمات ارائه شده در جامعه است. دانش گسترده و چندبعدی او چه در حوزه تاریخ و جامعه‌شناسی، چه در اقتصاد و آموزش به وی قدرت آن را می‌داد که نقدش را درباره جوامع مدرن تبیین کند و قابلیت آنها را در پاسخ دادن به نیازهای انسانی به زیر سؤال ببرد.

اندیشه‌های رادیکال ایلچ تأثیرات بسزایی بر حوزه‌های مختلف داشته است. از جمله محیط زیست، علوم اجتماعی، علوم سیاسی، اقتصاد، حمل و نقل، ارتباطات و پزشکی. به عقیده ایلچ، علوم و دانش و فناوری، به جای آنکه برای انسان رفاه و آسایش و آرامش به ارمغان آورند، مسائل و مشکلاتی را برای وی فراهم نمودند. نهادهای

1. The Myth Of Institutionalized Values
2. The Myth Of Measurement Values
3. The Myth Of Packaging Values
4. The Myth Of Self Perpetuating Progress

بزرگ جوامع صنعتی، خود، مانعی برای اهدافی می‌شوند که ظاهراً برای آن به وجود آمده‌اند. اندیشه ایلچ، خلاقیت بالایی در خود داشت و هنوز برای سرچشمه‌ای برای مطالعه و بازاندیشی در جوامع انسانی است. انتقادی که به نظرات ایلچ وارد است ارائه مدرسه‌ای دور از دسترس است. ماهیت افراطی انتقادهایش او را از ایجاد یک استراتژی واقع‌گرایانه برای مربیان و محققانی که می‌خواهند با او ارتباط برقرار کنند بازمی‌دارد. نوشته‌های وی، بر اساس شهود و دریافت ناگهانی و بدون ارجاع به نتایج پژوهش‌های یادگیری یا اجتماعی- تربیتی است. نظریات وی از خلأ نظری برخوردار است که پذیرش محدود نظریه‌های تربیتی وی را در زمان کنونی توجیه می‌نماید. با وجود این، ایلچ متفکری است که باعث شد در سال‌های ۱۹۷۰ بحث‌های تربیتی را به عرصه زندگی بیاورد. مدرسه را متوجه نیازهای محیط اجتماعی و واقعیت‌های زندگی دانش‌آموزان نمود. حتی اگر ماهیت افراطی انتقادهایش باعث شد که در عمل غیرممکن شوند، بسیاری از اندیشه‌های وی اعتبار جهانی یافتند. اندیشه‌های وی بر شمار قابل توجهی از مربیان تأثیر گذاشته و جنبش تعلیم و تربیت بدون مدرسه را فراتر از بستر تاریخی توسعه دادند.

#### منابع

- صفوی، امان... (۱۳۶۶). روند تکوینی و تطبیقی تعلیم و تربیت جهانی در قرن بیستم. چاپ اول. تهران: رشد.
- Gajardo M. 2000. Ivan Illich: 1926-2002. Prospects: The quarterly review of comparative education (Paris, UNESCO: International Bureau of Education), vol. XXIII, no. 3/4.2000
- Illich, I. 1971. *Deschooling society*. New York, NY., Harper & Row,
- ——. 1971. 'School: The sacred cow', in: I. Illich. *Celebration of awareness*. New York, Doubleday,
- ——. 1973. *Tools for conviviality*. New York, NY., Harper & Row.
- ——. 1974. *Energy and equity*. New York, Marion Boyars,.

#### آثار ایوان ایلچ:

- Illich, I. *Deschooling society*. New York, NY., Harper & Row, 1971.
- . *En América Latina, ¿para qué sirve la escuela? [Who does the school serve in Latin America?]*. Buenos Aires, Ediciones Búsqueda, 1973.
- . *Energy and equity*. New York, Marion Boyars, 1974.
- . *La escuela, esa vieja y gorda vaca sagrada: en América Latina abre un abismo de clases y prepara una elite y con ella el fascismo* [The school, that old and fat sacred cow: in Latin America it widens the gulf between classes and prepares an elite and thereby fascism]. Cuernavaca, CIDOC, 1968, p. 15.
- , et al. *Juicio a la escuela* [Right of mind at school]. Buenos Aires, Ed. Humanitas, 1974.
- . *Medical nemesis: The expropriation of health*. New York, NY., Pantheon, 1982.
- . 'School: The sacred cow', in: I. Illich. *Celebration of awareness*. New York, Doubleday, 1971.
- . *Tools for conviviality*. New York, NY., Harper & Row, 1973.
- , et al. *Education without school: how it can be done?* In: *The New York Review of Books* (New York, NY),

no. 12, 7 January 1971, p. 25–31.

خواندنی‌های بیشتر

Gintis, H. Towards a political economy of education: a radical critique of I. Illich's deschooling society. *Harvard Educational Review* (Cambridge, Mass.), vol. 42, no. 1, February 1972, p. 70–96.

Kallenberg, A. G. *I. Illich's Deschooling society: a study of the literature*. The Hague, NUFFIC-CESO, 1973.

(Mimeo)

Reimer, E. *The school Is dead: alternatives in education*. London, Penguin, 1971.